

قزوین

بواسطه حکیم الهی

میانج

جناب آقا سید عبدالله علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای منجذب نفحات الله نامه مرقوم ملاحظه گردید مضمون مشحون بانجذابات روحانی و ثبوت و رسوخ بر میثاق الهی بود از قرائت مسرت رخداد از فضل حضرت احدیت امید و طید است که همواره بنسائم جنت ابهی در نهایت طراوت و لطافت و روحانیت باشی و شب و روز بنشر آثار و سطوع انوار و بیان اسرار وقت خویش را بگذرانی تا در آن صفحات آیات باهرات جلوه نماید و رایحه طیبیه محبت الله باوج اعلی رسد الیوم منع تأیید و مهبط توفیق تبلیغ است هر نفس زبان بیان برهان گشاید و حضرت یزدان را بستاید و محافل را بذکر اسرار الهی بیاراید البتّه بجنود ملاء اعلی مدائن قلوب بگشاید اینست تکلیف کلّ تا بدرقه عنایت چه نفسی را قیام دهد و بر آنچه باید و شاید مستدام دارد مرا آرزو چنان که شما سراج و هاج آن زجاج گردید و نور باهر آن مشکات شوید یاران الهی را پیام این زندانی برسان و عذر تحریر مخصوصه بنخواه زیرا مجال ممتنع و محال است اگر در هر ساعتی هزار تحریر از قلم جاری گردد باز کفایت ننماید و حال آنکه مشاغل سائر و غوائل حاصله بکلی مانع از تحریر است مع ذلک بمفاد چاره اکنون آب و روغن کردن نیست باز بقدر قوه بتحریر پردازم که شاید یاران را بنوازم شما از قبل من بهر یک تحیت مشتاقانه و تکبیر ابدع ابهی در نهایت محبت و وفا ابلاغ دارید اگر اثر قلم مفقود است ولی احساسات قلب موجود و نامه حقیقی روح محبت صمیمی است از این جهت قصور ممتنع و محال و در جمیع احوال یاد یاران و محبت دوستان مونس دل و جان

جناب آقا میر آقا را بزبانی شیرین و بیانی نمکین و کلامی بلیغ و نطقی فصیح از قبل این عبد تحیت و تکبیر تبلیغ نمائید خدمات ایشان سبب سرور قلوب و انجذاب نفوس است فی الحقیقه در جمیع شئون قصور ندارند و منجذب فیوضات مجلی شوند و یقین است که مظهر تأیید موفور گردند و بنظر عنایت جمال مبارک روحی لأحبّائه الفداء منظورند و همچنین سائر یاران میانج را بجان و دل مشتاق دیدارم

و عاشق خاکسار جناب میرزا یعقوب را خادمم زیرا خادم یاران است و ثابت پیمان و سبب اجتماع و التیام دوستان امه الله المقرّبه طاووس را بعنایت ربّ قدیم محفوظ و مانوس کن آن ورقه منجذبه فی الحقیقه آیت باهره است و سبب تنبّه و تذکّر اماء رحمن

جناب حاجی صادق را شائقم و بذکر حضرت احدیت در نهایت شور تحیت و تکبیر ابلاغ مینمایم

جناب آقا میرزا محمد را مدح و حمد نمایم زیرا قلبی نورانی و روحی ربّانی دارد

جناب آقا محمد اسماعیل مانند خلیل جلیل سر تسلیم دارد و جاحتی جز بر ربّ کریم نیارد

جناب آقا حسین امیدوارم که شهره مشرقین و مغربین گردد و بشیدائی و سودائی و محبت بهائی رسوای عالم شود

جناب آقا شیخ محمد ابراهیم مانند ابراهیم اصنام اوهام اقوام بشکند و بوحدانیت حضرت احدیت هدایت فرماید

جناب آقا علی اکبر قمی البتّه آن کشور را بنسیم جان پرور معطر و معتبر فرماید

جناب آقا علی همیشه در خاطر این عبد فانی است ابداً فراموش ننماید

جناب آقا عباد الله عبارت از جمع عبد است یعنی فردیست که مانند جمع است حکم نفوس کثیره دارد

جناب حاجی یوقده امیدوارم که نار موقده شود و افندۀ نفوس هامدۀ خامده را برافروزد
جناب مهدی قلی میرزا یادگار آن گل رعنا و شجر حدیقۀ وفا موزون میرزاست مثنوی گوید
چون که گل رفت و گلستان شد خراب
بوی گل را از که جوئیم از گلاب

الحمد لله با نجابت اعراق وارث حسن اخلاق آن ثابت بر میثاق است
جناب کربلائى محمّد هادی خادم مشرق‌الأذکار مخدوم منست یعنی من خادم او هستم زیرا خادم جمال مبارکست و
در مشرق‌الأذکار جاروب‌کش است این خدمت نیست سلطنت است و این امر عادی نیست صرف موهبت است و علیک و
عليهم البهَاء الأبهى فى كلّ عالم من عوالم الله ع ع

این سند از www.bahai.org/fa/lcgal استخراج شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۷ فوریه ۲۰۲۴، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر